



سیف‌الدین محمود محلاتی

و کتاب «قند پارسی در مقدمات فارسی» دستوری آموزنده برای

غیرفارسی‌زبانان

(۳)

در آخرین فصل کتاب - که کلمه و کلام نامیده شده است ، سخن از شناختن احوال کلماتست و تمیز کلمات مرکب از مفرد و چگونگی ترکیب نمودن آنها بایکدیگر و نگاه داشتن ذهن از خطا در هنگام گفتن و نوشتن. می‌نویسد: «این قواعد را نحو گویند» و بر آموزندگان زبان فارسی لازمست تا نامها و الفاظ مفرد و مصدرها را بشناسند و اسم و فعل را از یکدیگر تمیز دهند و فرق کلمه و کلام و جمله را بدانند تا معنی هر جمله بحقیقت معلوم گردد .

در اینجا مصنف، پیش از آنکه معنی جمله و اقسام آنرا باز نماید ، چنین می‌آورد که بعضی از کلمات تا با کلمه دیگر ترکیب نشوند معنی مقصود از آنها حاصل نگردد و این کلمات در فارسی بسیار است از آن جمله اند :

کلمات ظن و یقین مانند : باشد ، بلکه ، هر گاه ، شاید ، همانا ، باید ، یافتم ، گمان ، ظن و غیره .

* آقای دکتر مهدی درخشان عضو دانشمندیات علمی دانشگاه تهران از ادیبان محقق معاصر.

و کلمات مقاربه مانند : زود، نزدیک، قریب و نظیر آنها
و کلمات مدح و ذم مانند: بد، زشت، خوب، نیک، حذا، زهی، خوش، خهی و غیره
و کلمات تشبیه مانند : سان، چون، مانند، اندازه، طور، طرز، گونه، مثال و غیره
و کلمات تنبیه چون : لاجرم، هرآینه، ناگزیر، هان، عین، ناچار، لاعلاج،
بالضروره، هر اوغیره .

و کلمات تحقیق نظیر : بدرستی که، جز این نیست، و بتحقیق و باشد
و کلمات شرط چون : اما، اگر، ولو، مگر و مانند اینها

همچنین اقسام دیگر کلمات را مانند کلمات ایجاب - ظروف - تکثیر - ردع (منع)
مقدار - زائده - تحسین - افسوس - روابط و معاون - مطابقت - تعظیم و لیاقت و قطع
کلام هر یک جداگانه شرح میدهد و موارد استعمال هر لفظ را با ذکر مثالی از نظم یا نثر
روشن می سازد. سپس به بیان جمله و اقسام آن می پردازد و نام بیش از ۱۹ قسم جمله را
که در فارسی معمولست با شرح و تفصیل آنها و قواعد و اصولی که بر هر یک مترتب است
بیان می کند و مثالها می آورد؛ مانند جمله های اسمیه - فعلیه - ظرفیه - معترضه - مقطوعه
ابتدائیه - حالیه - معطوفه - هینه - معلله - وصفیه - استفهامیه - تردیدیه - تمنائیه
مقدره - مرکبه - نتیجه - و جمله شرط و جز اوغیره .

و هم جمله های مفید و غیر مفید (کامل و ناقص) - خبری و انشائی - تقییدی و غیر
تقییدی و انواع دیگر را بیان می کند و در آخر بطرز ترکیب و پیوند کلمات و بیان قواعد
و ضوابطی که فارسی زبانان باید بدانند می پردازد، چون مقدم داشتن مبتدا بر خبر و
صفت بر موصوف و مضاف بر مضاف الیه و موارد استثنای آنها و مواعع حذف و تصحیر و غیره.
اختصاصها و امتیازهای کتاب - قند پارسی را می توان از جمله کتابهای خوب و
ارزنده ای دانست که تا کنون در فن دستور نوشته شده است. چه بطوری که اهل تحقیق
اطلاع دارند تا امروز بیش از ۳۱۰ کتاب در این فن تألیف کرده اند که اغلب آنها بسبب
ایجاز بیش از حد و لغزشهای دیگر مفید فایده ای نیست و پاره ای نیز چندان تقلیدی و سطحی و
عادی از تحقیق نوشته شده است که از مطالعه آنها جز اتلاف وقت نتیجه ای حاصل نمی گردد و اگر
احیاناً یک دوسه کتاب در این باره به تفصیل نگاشته شده است، گذشته از خطاها و اشتباهاتی که
ممکنست در آنها راه یافته باشد، گاهی مؤلفان چندان به اطناب و اسهاب و اظهار فضل
گرائیده اند که مطالعه تمام آنها، حتی برای یک بار، غالباً خاصان و منهیان را میسر نیست
تا چه رسد به مبتدیان و نوآموزان که قصد آموختن زبان فارسی را دارند. با این ترتیب
اهمیت قند پارسی و ارزش و اعتبار آن بخوبی روشن می گردد که در حد معمول و متعارف

وساده و آسان نوشته شده است و نه اطناب ممل دارد و نه ایجاز مخمل .

در پاره‌ای موارد اگر مصنف از قواعد زبان عربی پیروی کرده و بعضی اسمها و صفها و تعریفها را از آن زبان گرفته است ، بسبب اشتراك آن کلمات و احتیاج فارسی زبانان معاصر خود بآموختن آنها بوده که در نزد عموم چه در محاوره و چه در مکاتبه رواج کامل داشته است و بطوری که مصنف خود تصریح میکند کتاب را برای مبتدیان و غیر اهل زبان نوشته و آنچه از مصطلحات عرب در آن ذکر شده بدان جهت است که در زبان فارسی داخل گردیده و تلفظ آنها در میان پارسی زبانان معمول و رایج می باشد .

البته نهضت بزرگی که در این پنجاه سال اخیر در زبان فارسی بوجود آمده است غالب ضوابط و قواعد سابق را که به ناروا از سنن جاری زبان گردیده بود کهنه و مدروس ساخته چنانکه محققان و نویسندگان امروز بکار بردن برخی ترکیبات را که قبلاً رایج بوده (مانند عند اللزوم - معذک - قس علی هذا - کماینمی - کما هو حقه و غیره) و بسیاری از ضوابط و سنن دیگر را جایز نمی دانند و در حقیقت دستور زبان فارسی را ، چنانکه باید ، از صرف و نحو عربی يك باره پیراسته و راه آن را جدا ساخته اند . بنابراین نوآموز زبان پارسی را ، برای فرا گرفتن دستور ، شاید که امروز نیازی بآشنائی کامل با زبان عربی و دانستن صرف و نحو آن نباشد . ولی این مطلب در آن روزگاران ، چنانکه گفته شد ، خاصه برای غیر فارسی زبانان ، شاید که میسر نبوده است و این خود یکی از امتیازات و اختصاصات بارز آن کتاب بشمار میرود .

از خصوصیات دیگر آن روشنی و صراحت در بیان مطالب است و ذکر مثالهای ساده و متعارف از نظم و نثر چنانکه بیگانگان غیر پارسی زبان نیز بخوبی می توانند از آن استفاده کنند . اختصاص دیگر افزودن پیش از سدها قاعده و ضابطه است برای تعلیم زبان و ذکر نکات و جزئیات آن و جلوگیری از خطا و لغزش در هنگام گفتن و نوشتن ، همان طور که از این پیش در مبحث فعل بدان اشاره گردید . بی تردید آموختن این قواعد ، آموزندگان زبان فارسی را در هر مرحله ای از تعلیم که باشند همواره مورد نیاز است چنانچه «متعلمان را بکار آید و مترسلان را بلاغت افزاید» . دیگر از امتیازات کتاب ، ضبط پاره‌ای از نوادر لغات فارسی است که شاید بعضی از آنها نزد ادیبان و فارسی زبانان هند متداول بوده است و در کتابهای لغت و فرهنگها کمتر دیده میشود . مانند . سیز = تیز و شم = ناخن و کوچ = کاج = لوچ و چرام = چراگاه و شن = ناز و کرشمه و ساما کچه = ساما کچه (= سینه بند زنان) و دیگر واژه‌های خمند و چاشک و رونیک و باله و سچ و درواز و مر = مو و گیمازو غیره و غیره (این واژه‌های اخیر در فرهنگهایی که بدانها دسترس بود دیده نشد) . آخرین خصوصیت و امتیاز قندپارسی ، جامعیت آنست و اشتمال آن بر مطالب گوناگون ادبی و

علمی و دینی ، غیر از ذکر قواعد بی شمار دستور ، بطوری که می توان گفت قندپارسی هم کتاب دستور است و هم خود آموز فارسی و هم معلم صرف و نحو عربی و هم راهنمای سخنوران و هم شارح فقه و حدیث و منطق و عرفان و هم فرهنگی کوچک از واژه ها و نواد رلفات . اگر به پایمردی و همت متخصصان فن در این کتاب تصحیح و تلخیص و تنقیحی سزاوار بعمل آید می تواند سالها در مدارس عالی جزء کتابهای درسی خوب قرار گیرد . و هم برای بیگانگانی که قصد آموختن زبان فارسی را دارند سودمندترین راهنما و کتاب باشد .

نقدی بر کتاب قندپارسی - با همه مزایا و محسناتی که در این کتاب دیده می شود ، بعضی مندرجات و مطالب آن درخور انتقاد است و میتوان بر آن خرده گرفت . ولی لازم بیاد آوریم که آنچه بعنوان انتقاد بر این کتاب مستطاب نوشته می شود قریب هفتادسال پس از تصنیف آن و تألیف دهها کتاب دستور و انجام تحقیقهای صاحب نظران صورت می پذیرد و بهیچ وجه از اعتبار و ارزش والای آن نمی کاهد . از جمله نکات قابل اعتراض یکی آنست که بنای تقسیمها در غالب موارد بر پایه صرف و نحو عربی نهاده شده و برخی مطالب و عنوانهای آن خاص زبان عربیست مانند : ذکر اسمهای منقوص و مقصور و اسم غیر منصرف و اسم متمکن و غیر متمکن و غیره در فصل اسمها و بیان مفعولهای پنجگانه که ظاهر آ در فارسی امروز دیده نمی شود و متفرعات فاعل و افضل التفضیل و تالی وحدت و تالی تانیث یا ذکر برخی حروف جاره و الف جمع و الف ممدود و مقصور و غیره .

همچنین گاهی شواهد و امثالی را که از الفاظ و کلمات عربی آورده است بر واژه های فارسی آن غلبه دارد نظیر کلمات : احسنت ، مرحبا ، بارک الله ، جزاك الله و غیره برای تحسین که حتی نمونه ای از کلمات فارسی مانند : زه ، آفرین ، خه ، و امثال آنها نیامده است و اگر چه این الفاظ عربی ، چنانکه از این پیش گفته شد ، متداول و مصطلح بوده است ولی در دستوری که برای فارسی زبانان نوشته می شود سزاوار است این نکته ها مراعات گردد . مصنف گاهی نیز کلمات و پساوندهای ترکی را ، تنها بحکم آنکه در میان عامه معمول بوده ، جزء فارسی آورده مانند : قاطرچی - سورچی - شیپورچی و غیره و حتی اشاره ای نیز باینکه لفظ (چی) پسوند ترکی و برای نسبت و دارندگی است نشده است . پسوند (گان) را در کلماتی که به های غیر ملفوظ ختم می شود از نشانه های جمع شمرده . مانند رفته گان ، بچه گانه ، خفتگان و مانند گان و حال آنکه در این گونه کلمات آنچه علامت جمع است (آن) است و حرف (گ) بدل از های غیر ملفوظ است که باید در هنگام جمع حذف گردد و بیچگانه و رفتگان و غیره نوشته شود .

معنی برخی از واژه ها چنانچه اشاره شد ، بدان صورت که مؤلف نوشته است در فرهنگها نیامده . و معنی بعضی نیز اندک اختلافی با ضبط فرهنگها دارد . اگر سهو و نسیانی

از مصنف نباشد می‌توان احتمال داد این واژه‌ها بدین معنی در نزد پارسی زبانان هند معمول بوده یا ضبط آنها از فرهنگها فوت شده است. مانند: هوپر = هوبه که در قد پارسی بمعنی شانه و کتف آمده و در فرهنگها بمعنی دوش و بغل و پشت است. یا واژه کوداب که بمعنی نوعی از آش آمده و در فرهنگها بمعنی دوشاب ضبط شده است. و دیگر واژه‌های گیماز - و در داز و خمند و باله و چاشک و مر - و مووغیره که قبلاً نیز بدانها اشاره شد. در تقسیمهائی که برای حروف شده است مانند انواع حرف الف و ب و پ و ی و سایر حروف، امروز سخن است و شاید که اهل تحقیق برپاره‌ای از آنها خرده‌ها گیرند و نظر مصنف کتاب را به صواب مقرون ندانند. چنانکه در تعریف حرف (پ) می‌نویسد: از حروف فارسی است... و برای استعانت و عهد و استقرار آید... چون: پابند و پادار و پای‌مردی... و در آخر کلمه بشکل‌های مختفی برای تصغیر آید چون «کپه» و «تپه»... و حرف (ی) برای ندا مانند: خدایا و حرف (ك) بمعنی (يك) مانند کفکی از آب دریا. یا دارم دلکی که هست شیدا... و چنانچه میدانیم کلمات پابند و پادار و پای‌مردی از الفاظ مرکب هستند که جزء اول آنها کلمه (پا) یا (پای) است نه حرف (پ) و همچنین در لفظ (خدایا) آنچه علامت نداست (الف) است در آخر کلمه خدای. نه حرف (ی) و نیز بعضی از اقسام این حروف را می‌توان با بعضی دیگر مشترك دانست و تحت يك عنوان قرار داد و پاره‌ای نیز اختصاص بزبان هر بی‌درد. مانند تاء وحدت و تاء تأنیث و غیره. آنچه در تبدیل بعضی از حروف بیکدیگر آمده، همه‌جا باشیوه زبان فارسی سازگار نیست و این تغییرها غالباً هنگام معرب کردن کلمات بکار میرود. بهتر بود که بدین نکته‌ها و جزئیات اشاره میشد. مانند: آبریز = ابریق در تبدیل حرف زبهق و دهگان = دهقان و خانگاه = خانقاه در تبدیل حرف گ به ق و غیره. و خرده‌ها و ایرادهائی دیگر از این گونه که در ضمن مطالب کتاب دیده میشود.^۳

۱ - از کتابهای دستور ساده و مفیدی که اخیراً نوشته شده می‌توان دوره دستور مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب را رحمة الله علیه نام برد؛ و دستور ممتع پنج استاد و طرح جامع شادروان دکتر معین که با اظهار تأسف ناتمام ماند. و برخی دستورهای دیگر

۲ - ر. ک. فهرست کتابهای دستور ایرج افشار

۳ - برخی از مأخذ، کتابهای ترجمه احوال (مانند ریحانة الأدب - گنجینه دانشوران - لغت نامه - فرهنگ اعلام دکتر معین و... و... کتابهای دستور فارسی (مانند، دستور پنج استاد - دستور قریب دستور کاشف - زبان آموز نفیسی - دستور فرخ - تنبیه الصبیان - دستور حسن - حروف اضافه و ربط (از دکتر خطیب) - طرحهای دستور شادروان دکتر معین و کتابهای دستور دیگر. و فرهنگهای فارسی. غیاث اللغه - برهان قاطع - لغت نامه دهخدا - فر نودسار - فرهنگ رشیدی و برخی از کتابهای صرف و نحو عربی و... و...)